
Application of Contextualism Theory in the Design of the City Entrance (Case Study:Entrance of Kermanshah City from Hamedan) ¹

Ardalan Hosseini ^{*1}, Kioumars Habibi ²

¹ Aso Shahr Midia Consulting Engineers Managing Director, Tehran, Iran

² Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

Received Date: 27 December 2021 **Accepted Date:** 12 March 2022

Abstract

Lack of attention to the entrance space of the city during the rapid growth of urbanization, these spaces have faced a crisis of anonymity. Achieving a design with understandable quality is a reference to solve these issues. Achieving a sort of design for preservation and continuity of the former identity, relationship of the audience with the identity of the place through visual communication with symbolic elements, creating a pause through visual communication with local symbols and symbolic elements in the entrance design of Kermanshah (from Hamedan) are the aims of research. The method is combined, with an interpretive approach, we tried to ask how people understand and evaluate the identity of the entrance of the city of Kermanshah from Hamedan? To be answered. In this regard, data were collected and analyzed through in-depth interview techniques and field observation and field survey. Sampling was purposeful and the interviews reached theoretical saturation after 30 interviews. In the analysis step, thematic analysis method was used. Finally, the results were classified and interpreted based on thematic analysis and field observations. The results of this study showed that the non-use of environmental elements (human and natural) at the entrance of Kermanshah has caused the city entrance to lack the components of a distinct entrance. The most important environmental elements identified as native signs and symbols of Kermanshah are; Tagh-e-Bostan, Tagh-e-Gara, stone materials and vegetation of the region, which if used in the entrance of the city based on the contextualism approach can identify the entrance and make it have the components of a distinct entrance.

Keywords: Design, City Entrance, Contextual Theory, Native Symbols, Kermanshah.

¹ This article is extracted from the doctoral thesis entitled "**Application of Contextualism Theory in the Design of the City Entrance (Case Study:Entrance of Kermanshah City from Hamedan)**" of the first author's with the Supervisor of the Second in Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University.

*** Corresponding Author:** ardalan.hs@gmail.com

Cite this article: Hosseini, A., Habibi, K. (2022). Application of Contextualism Theory in the Design of the City Entrance (Case Study:Entrance of Kermanshah City from Hamedan). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSRUDS)*, 2(4), 23-42.

کاربست تئوری زمینه‌گرایی در طراحی ورودی شهر کرمانشاه از سمت همدان^۱

اردلان حسینی^{۱*}، کیومرث حبیبی^۲

۱. مدیرعامل مهندسين مشاور آسو شهر ميديا، تهران، ايران

۲. دانشيار گروه شهرسازي، دانشكده معماری و شهرسازی، دانشگاه کردستان، سنندج، ايران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

چکیده

عدم توجه به فضای ورودی شهر در جریان رشد شتابان شهرنشینی، این فضاها را با بحران بی‌هویتی روبه‌رو کرده است. دستیابی به طراحی دارای کیفیت قابل‌فهم، رجوع به زمینه طرح راه‌برون‌رفت از این مسائل است. هدف از این پژوهش؛ حفظ و تداوم هویت پیشین، ارتباط مخاطب با هویت مکان از طریق ارتباط بصری با عناصر نمادین، ایجاد مکث از طریق ارتباط بصری با نشانه‌ها و عناصر نمادین محلی در طراحی ورودی شهر کرمانشاه (از سمت همدان) است. روش پژوهش در این پژوهش ترکیبی است. در این پژوهش با رویکرد تفسیرگرایی، سعی شد به این سؤال که افراد، هویت ورودی شهر کرمانشاه از سمت همدان را چگونه درک و ارزیابی می‌کنند؟ پاسخ داده شود. در این راستا داده‌ها از طریق فنون مصاحبه عمیق و مشاهده و بازدید میدانی، گردآوری و موردبررسی قرار گرفتند. نمونه‌گیری، هدفمند بوده و مصاحبه‌ها پس از ۳۰ نمونه به اشباع نظری رسید. در تحلیل داده‌های مصاحبه، از روش تحلیل تماتیک استفاده شد. در نهایت نتایج برگرفته از تحلیل تماتیک و مشاهدات میدانی طبقه‌بندی و تفسیر شد. نتایج این پژوهش نشان داد عدم به‌کارگیری عناصر محیطی (انسانی و طبیعی) در ورودی شهر کرمانشاه باعث شده تا ورودی شهر، فاقد مؤلفه‌های یک ورودی متمایز باشد. مهم‌ترین عناصر محیطی شناسایی‌شده به‌عنوان نشانه و نمادهای بومی کرمانشاه عبارت‌اند از: طاق‌بستان، طاق‌گرا، مصالح سنگ و پوشش گیاهی منطقه، که در صورت کاربرد این عناصر در ورودی شهر بر اساس رویکرد زمینه‌گرایی می‌توانند باعث هویت بخشی به ورودی و آن را واجد مؤلفه‌های یک ورودی متمایز نمایند.

کلیدواژه‌ها: طراحی؛ ورودی شهر؛ تئوری زمینه‌گرایی؛ نمادهای بومی؛ کرمانشاه.

^۱ این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان طراحی ورودی شهر کرمانشاه از سمت همدان با تأکید بر عامل سرعت نویسنده اول به راهنمایی نویسنده دوم گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی است.

* نویسنده مسئول: ardalan.hs@gmail.com

ارجاع به این مقاله: حسینی، اردلان، حبیبی، کیومرث. (۱۴۰۰). کاربرد تئوری زمینه‌گرایی در طراحی ورودی شهر کرمانشاه از سمت همدان). فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۲(۴)، ۲۳-۴۲.